

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

اراده برای زیست و کین پرشور نسبت به فرومایگی های گذران عادی ،  
که لنین مظهر نیرومند آن بود ، مرا مسحور خود میساخت . من از  
تهور دلیرانه پر از نشاط جوانی او که هر چه را میخواست به کمک آن  
به انجام میرساند لذت میبردم .

ماکسیم گورکی

از : « خاطرات درباره لنین »

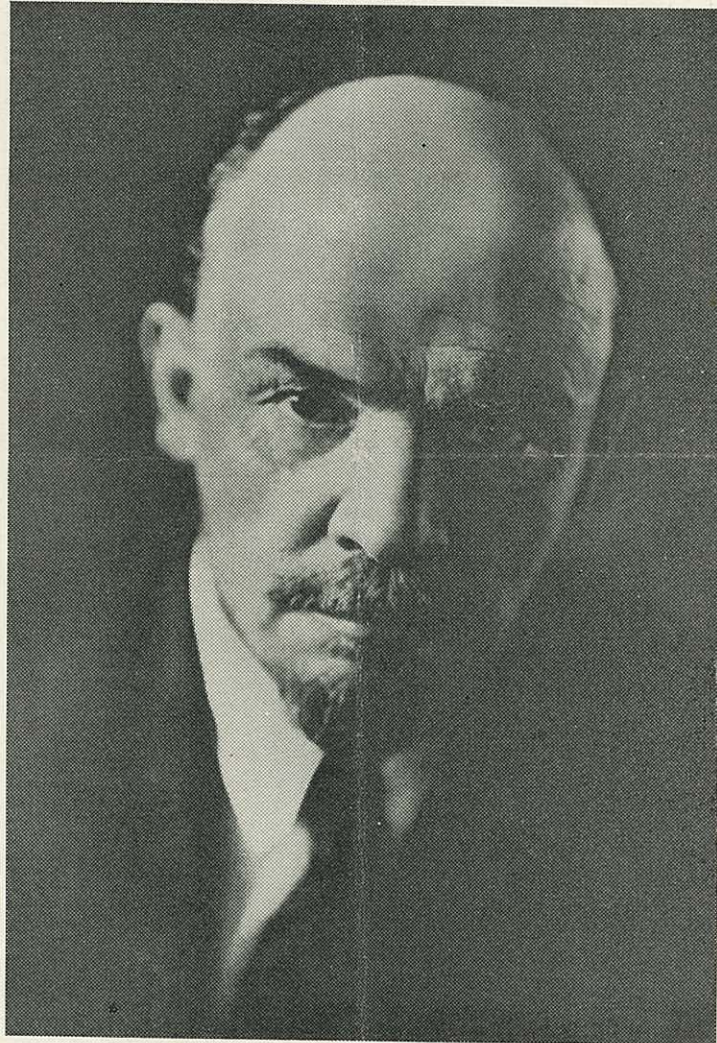
## آینده ای که لنین میدید

بهرتر میفهمد و گذشته را ژرفتر در می یابد .  
آگاهی از سیر امور در آینده کار آسانی  
نیست . اینکار ، چنانکه مدعیانی در تاریخ  
گفته اند ، از طریق کفایت و جادوگری یا  
نبوت و وحی ممکن نیست . اینکار تنها از  
دست علم ساخته است . هر گاه شما به راز  
درونی حرکت تاریخ ، به قوانین تکامل آن  
پی برید ، میتوانید آنرا پیش بینی کنید .  
مارکس ، انگلس و لنین که این نبض طپنده  
را در زیر انگشتان حساس تجسس و بصارت  
خود داشتند ، آینده را بروشنی میدیدند ،  
گفته ها ، پیش بینی ها ، زنهار باش ها و  
بشارتهای آنها در آزمایشگاه تاریخ معتبر از  
کار در آمد و جادوگری ایدئولوگ های  
سرمایه داری که زوال مارکسیسم ، شکست  
انقلاب پرولتاری ، انهدام جامعه سوسیالیستی ،  
محو لنینیسم را وعده میدادند بدروغی نتگین  
بدل شد .

هربرت جارج نواز نویسنده انگلیسی  
پس از دیدار با لنین وی را « پندار باف  
کرمین » نامید . وی اندیشه لنین را که  
روسه ای غرق در تاریکی قحطی و عقب  
ماندگی و جهالت را روشن از پرتو میلیارد  
ها ستاره الکتریکی میدید ، اندیشه یک  
خیالپرور میخواند . ولی پیش بینی علمی لنین  
از نوع رؤیا بافی نبود . زمان گذشت و این  
لنین بود که پیروز شد .

لنین پیوسته پند میداد که در پیچ وخم  
های تاریخ و در زیر گرا گهای متعدد آن نباید  
گمراه شد و دورنمای عمومی را نباید از دست  
داد . وی میگفت : « باید رشته سرخ رنگی  
را که سرپای تکامل سرمایه داری و راه به  
سوی سوسیالیسم را پیوند میدهد ، دید . »  
( کلیات بزبان روسی ، جلد ۳۶ ، ص ۴۷ )  
دنباله در صفحه ۲

۱ - رشته سرخ رنگ  
میگوید: « مرد آخرین مبارک بنده ایست . »  
سخن حکمت آمیز است که آنکس که از سکوی آینده مینگرد ، اکنون را



## سیمای انسانی لنین

دایمی بخاطر خوشبختی انسانها ، وفاداری پر  
شور نسبت به حزب ، به طبقه کارگر و باور  
عمیق به صحت و حقایق این دو در او جمع  
بود ، کارگران لنین را چنین توصیف  
میکردند : « مثل حقیقت ساده است » او رهبر  
واقعی بشریت نوین بود .

کرویسکایا همسر و همزم لنین درباره  
آخرین هفته زندگی او به ماکسیم گورکی

### یک رهبر واقعی

لنین بمثابه یک انسان ، جاذبه ای نیرومند  
داشت . کسانی که او را از نزدیک می شناختند  
بحق معتقد بودند که خصال لنین ، نمونه انسان  
آینده جامعه کمونیستی را عرضه میکند .  
دور اندیشی و خرد همراه با سادگی و فروتنی  
سختگیری و آشتی ناپذیری نسبت به دشمنان  
طبقاتی همراه با توجه پرشور نسبت به رفقا ،  
عشق به مردم ، عشق به کودکان ، دلسوزی

## پیام

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
بمناسبت صدمین سالروز

## لنین

هموطنان! کارگران، دهقانان، زحمتکشان  
ایران! خواهان و برادران عزیز!

دوم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ درست  
یکصد سال از تولد لنین آن رادمرد بزرگی  
میگذرد که نامش مظهر پیروزی انقلاب کبیر  
سوسیالیستی اکتبر ، نخستین انقلاب مظهر  
کارگری جهان ، عظیم ترین و ژرفترین  
انقلاب تاریخ بشری و سرمنشاء کلیه تحولات  
انقلابی دنیای معاصر است .

### لنین پیشوای داهی بشریت زحمتکش

پنجاه و سه سال پیش توده های  
زحمتکش روسیه برهبری لنین بزرگ و حزب  
بلشویک که لنین بنیاد گذار آن بود ، پیا  
خاسته نه تنها سلطنت جابر و فاسد تزارها  
را برانداختند بلکه حکومت استثمارگران  
دنباله در صفحه ۶

## دیدار من با لنین ،

### داهی کبیر پرولتاریای جهان

سخنرانی رفیق کهن سال ما سیروس بهرام  
( آخوند زاده ) در سمینار علمی بمناسبت  
سده لنین

انقلاب کبیر اکتبر که در تحت رهبری  
حزب کمونیست روسیه و در زیر سر پرستی  
ولادیمیر ایلیچ لنین صورت گرفت ، خلق  
های زحمتکش روسیه را از زنجیر اسارت  
تزاری و ستم استثمارگران بطور قطعی رهایی  
بخشید و تمام گوشه های تارک جهان را با  
فروغ اندیشه های لنینی منور ساخت و ملل  
ستمیدیده را بسوی پیکار در راه آزادی و  
رهائی از اسارت سوق داد .

دنباله در صفحه ۳

چنین نوشت : « تا آخرین لحظه حیات همان  
ماند که بود: انسانی با اراده نیرومند ، با اعتماد  
بنفس کامل . حتی در شب قبل از مرگش  
میخندید ، شوخی میکرد و صمیمانه به فکر  
دیگران بود . . . »

### دشمن شخص پرستی

لنین با قاطعیت کامل مخالف هر گونه  
تجلیل از شخص خود و هر گونه ستایش از  
خدمات خود بود . او هر گاه با چنین پدیده  
هائی برخورد میکرد صدافقانه ناراحت میشد .  
در سپتامبر سال ۱۹۱۸ عده ای از همکاران

دنباله در صفحه ۸

«... طبقه انقلابی برای انجام وظیفه خود باید بر تمام اشکال یا جوانب فعالیت اجتماعی، بدون هیچ استثنائی، تسلط داشته باشد»  
و «... طبقه انقلابی باید برای تعویض بسیار سریع و ناگهانی یک شکل با شکل دیگر آماده باشد» (لنین، جلد ۳۱، ص ۷۶)

دنباله از صفحه ۱

## آیند ای که لنین میدید

اگر بخواهیم از پیش بینی علمی لنین در باره سیر آینده امور و از تحقق آنها سخن گوئیم، باید به بررسی مفصلی بپردازیم یعنی بکاریکه در حوصله یک مقاله گنجیدنی نیست. ولی میتوان در باره دو نکته اصلی که در دیگر گونهای عصر ما مسائل مرکزی است سخن گفت و نشان داد که لنین، این خرد نیرومند و انقلابی، در دروازه سده بیستم چگونه سیر آتی کاروان انسانی را در راه خارا گین تاریخ این دوران میدید و چه خوب میدید.

## ۲- چهره جهان آینده

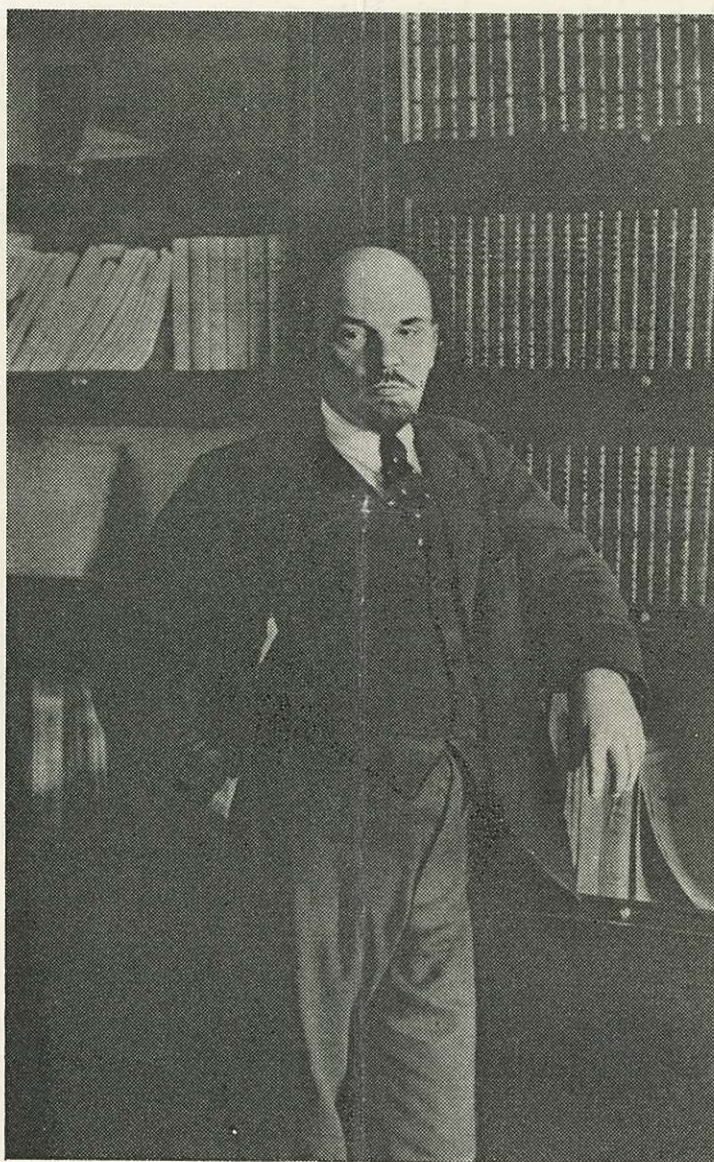
در هیاهوی کاهنن بورژوازی که انقلاب اکتبر را یک خطای اسف انگیز تاریخ جلوه میدادند و با خطوط درشت در سرلوحه صد ها روزنامه شکست و ستوت عنقریب حاکمیت شوراها را پیش بینی میکردند لنین خونسردانه چنین مینوشت: «نبرد دو شوه، دو فرماسیون، دو اقتصاد کمونیستی و سرمایه داری چهره جهان را معین خواهد کرد» (جلد ۴۲ ص ۷۵)

دقت کنید! لنین در یک جمله فشرده با چه اصابتی محتوی اساسی دوران ما را روشن کرده است. او میدید که جامعه نوین سوسیالیستی که انقلاب اکتبر جوانه آنرا رویانده بود، نیرو خواهد گرفت و با جامعه کهن، مغرور و متجاوز سرمایه داری وارد نبرد خواهد شد و تمام سیر آتی امور، سیر پر فراز و نشیب این نبرد، نیرو گرفتن بیش از پیش نظام نوین سوسیالیستی، زوال و ضعف بیش از پیش نظام کهن سرمایه داری است. در باره دلیل علمی این امر لنین مینوشت: «سوسیالیسم سازمان اجتماعی کار عالی تری نسبت به سرمایه داری است و این امر ماهیت و منبع نیرو و وثیقه پیروزی کامل کمونیسم است.» (جلد ۳۹ ص ۱۳). نظری به آهنگ رشد اقتصادی نخستین و نیرومندترین کشور سوسیالیستی جهان، اتحاد شوروی و مقایسه آن با راقی ترین کشورهای سرمایه داری، صحت و اصابت پیش بینی لنین را به روشنی نشان میدهد. اتحاد شوروی طی سال های صلح آمیز بطور متوسط با آهنگ رشد ۱۴ درصد و طی سالهای صلح و جنگ با آهنگ رشد متوسط ۹٫۹۹ تکامل اقتصادی خود را طی کرده است. آهنگ رشد کشور های سرمایه داری درجه اول جهان (ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان) در فاصله بین جنگ اول جهانی و جنگ دوم جهانی ۲٫۷ درصد و در فاصله بین جنگ دوم جهانی تا امروز بطور متوسط ۳٫۷ درصد بوده است. سرمایه داری این افزایش ناچیز آهنگ رشد را به بهای تلافی فراوان

کارکنان «مردم» عید باستانی نوروز را به همه خوانندگان عزیز خود صمیمانه شاد باش میگویند.

بدست آورده است، مانند: افزایش مخارج نظامی تا حد ۳۷ درصد مجموعه بودجه، بسط شدید بازرگانی خارجی، بهره جوئی از انقلاب علمی و فنی، استقرار سیستم سرمایه داری انحصاری دولتی و استفاده از مکانیزم

و گذشتن از راقی ترین کشورهای سرمایه داری جهان با سرعت فراوان ادامه دارد. اگر اتحاد شوروی از جهت حجم تولید صنعتی در پایان جنگ دوم جهانی تنها ۳۰ درصد ایالات متحده آمریکا بود، اکنون این میزان به ۷۰ درصد رسیده است! آن موعود دور نیست که شوروی از جهت حجم محصولات صنعتی و سپس از جهت سرانه آن بر آمریکا پیشی گیرد. سطح فرهنگ و رفاه عمومی نیز همراه



رشد اقتصادی با سرعت و قوت حیرت انگیز در جامعه سوسیالیستی شوروی اوج گرفته است. بعنوان نمونه میتوان گفت که مساحت منازل مسکونی نسبت به سال ۱۹۱۳ هشت برابر شده است و تعداد محصلین از همه نوع از قریب ده میلیون در دوران پیش از انقلاب به ۵۰ میلیون رسیده است! و همه این دستاوردها علیرغم لطامات سنگینی است که امپریالیسم بوسیله جنگ ها و توطئه ها و محاصره های اقتصادی به سوسیالیسم وارد ساخته است و کماکان میکوشد وارد سازد.

دولت برای مالیاتها، سرمایه گذاری، خرید های عمده، تأمین بازار و غیره و غیره. مثلا برای آنکه دامنه وسیع نظامی کردن اقتصاد که سرمایه داری آنرا «اکسیر» نجات خویش میداند روشن شود، کافی است بگوئیم ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۴۶ تا سال ۱۹۶۸ بیش از یک تریلیون دلار صرف مخارج نظامی کرده یعنی بیش از دو برابر مجموع هزینه های نظامی سراسر تاریخ آمریکا تا سال ۱۹۴۵!

آری پهلوان نوخیز تاریخ نیرو میگردد و باتکاء سیاست صلح آمیز و انسانی خویش، با ارائه ثمرات عالی خلایق میلیونها و میلیونها انسان زحمتکش، لحظه پیروزی قطعی بر سرمایه داری را دمدم نزدیکتر میکند. همراه لنین و به پیروی او به تحقق قطعی چنین واقعه ای در آینده ایقان داشته باشیم!

## ۳- تحول کیفی در جنبشها

نکته مهم دیگری که لنین در ارزیابی آینده بشر میدید بسط جنبش انقلابی خلقها و تحول کیفی مضمون این جنبش است. به این جملات ژرف لنین دقت کنید: «جنبش اکثریت مردم جهان، که در آغاز هدفش آزادی ملی بود، در نبرد های قاطع انقلاب جهانی آینده، علیه سرمایه داری و امپریالیسم متوجه خواهد شد و احتمالا بر مراتب پیش از آنچه که ما انتظار داریم، نقش انقلابی ایفاء خواهد کرد.» (جلد ۴۴، ص ۳۸). این سخنان و خوشروانه لنین نیز به تحقق پیوست. جنبشهای رهایی بخش در کادر خالص ملی محدود نماند و چنانکه آنرا در دهها نمونه در آسیا، افریقا، آمریکا لاتین دیده ایم و می بینیم، دمدم سیر رادیکال تری می یابد و طرف تیز آن علیه امپریالیسم و سرمایه داری متوجه میگردد، یعنی بیش از پیش ثابت میشود که رهائی ملی بدون رهایی طبقاتی میسر نیست و لذا بیش از پیش جنبشهای ملی رهایی بخش به متحد نیرومند جنبشهای انقلابی پرولتاری می بدل میشوند، یعنی این جنبش دیگر تنها «ذخیره» انقلاب جهانی نیست بلکه بخش ترکیبی ارگانیک این انقلاب است. بنابراین اعتبار سیستم جهانی سوسیالیستی بسبب دستاورد های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و بشری و صلحدوستانه اش، تزلزل دائمی اعتبار سیستم جهانی سرمایه داری بسبب معایب عیان اقتصادی و اجتماعی و سیاست عمیقاً ارتجاعی، جنگ طلبانه و ضد بشری آن، تأثیر قاطع در این تحول کیفی جنبشهای رهایی بخش داشته است و دارد. تردیدی نیست که جنبش های رهایی بخش برای آنکه به جنبشهایی با قبول رهبری ایده نولوژیک و سیاسی پرولتاریا بدل شوند راه پر فراز و نشیبی را طی میکنند ولی تمام واقعیات عصر ما ثابت میکند که در نیمه راه نمیتوان ماند. کسب استقلال ملی از پذیرش راه رشد غیر سرمایه داری انفکاک ناپذیر است. در آمیختن جنبش های انقلابی پرولتاری در کشورهای رشد یافته سرمایه داری با جنبشهای رهایی بخش که خصلت نوینی کسب کرده اند پروسه واحد انقلابی جهان ما را تشدید و تقویت میکند. آن نیروی سیاسی که قادر است وحدت این پروسه واحد را از جهت خط مشی و عمل تأمین نماید احزاب طراز نوین کارگری است که مارکسیسم-لنینیسم را بر پرچم خود نگاشته اند. طبیعی است که راه پیروزی این پروسه بقیه در صفحه ۵

انقلابیونی که نتوانند اشکال غیر علنی مبارزه را با کلیه اشکال علنی توأم سازند انقلابیون بسیار بدی هستند .

(لنین ، جلد ۳۱ ، ص ۷۶ - ۷۷)

دنباله از صفحه ۱

## دیدار من با لنین ، داهی کبیر پرولتاریای جهان

زحمتکشان مظلوم جهان و منجمله زحمتکشان ایران و اغلب کشورهای خاور زمین نیز برای رهایی از چنگک امپریالیستها و دست نشاندهگان آنها در مین خود یعنی برای نجات از یوغ پادشاهان و اشراف چابز و وطن فروش به جنبش در آمدند و بمبارزه برخاستند .

برای مبارزه بیروزمندان بادشمنان خارجی و داخلی بر انقلابیون فرض بود که با مارکسیسم-لنینیسم مسلح شوند و از تجارب فراوان انقلابی ملل روسیه بهره مند گردند . بدین منظور بود ، که در سال ۱۹۲۰ کنگره انقلابیون ممالک شرق « با شرکت نمایندگان یک سلسله از کشورهای خاور زمین در شهر بسو تشکیل گردید . در این کنگره کمونیستهای ایران نیز فعالانه شرکت جستند . در برابر همه انقلابیون یک سلسله مسائل مهم که حائز اهمیت بود قرار داشت و حل صحیح این مسائل بدون مصلحت و مساعدت رهبران پر تجربه پرولتاریای روسیه شوروی اسی دشوار بود . بدینجهت نمایندگان کنگره مزبور بعد از بررسی همه جانبه این مسئله در فرا کسیون های کمونیستی کنگره باین نتیجه رسیدند که از طرف هر یک فرا کسیون و سایر سازمانهای انقلابی دو یا سه نفر نماینده انتخاب شوند و برای دادن گزارش جریان کارهای انقلابی و دریافت رهنمود ها و اندرزهای لازمه به نزد لنین کبیر بروند و همچنین به بین الملل سوم کمونیستی ( کمیترون ) اعزام گردند .

در آن زمان استالین از جانب بلشویکهای روس در کمیترون نمایندگی داشت و در عین حال رئیس این مؤسسه نیز بود . کمونیست های ایران تحت سرپرستی حیدر خان عمو اوغلی کمونیست و انقلابی مشهور جلسه ای تشکیل دادند و بعد از تبادل افکار برای رفتن بمسکو به نزد رفیق لنین و به کومیترون مرا و رفیق دیگری را بنام عوض اوف (از اهالی دهکده بنفشه دره واقع در حومه اردبیل) انتخاب نمودند . یکی از مسائل مهمی که در آن ایام در برابر انقلابیون ایران قرار داشت ، توسعه فعالیت کمیته مرکزی ایران بود . کمیته مرکزی در تاریخ ۲۲ ژوئن سال ۱۹۲۰ در نخستین کنگره حزب انتخاب شده بود ، حزب کمونیست ایران تا کنگره اول بنام « حزب عدالت » شهرت داشت و سپس در کنگره اول منعقد در انزلی ( بندر پهلوی فعلی ) نام حزب کمونیست بخود گرفت . برگزاری این کنگره گرچه برای کمونیست های ایران موفقیت بزرگی محسوب میشد ولی از برخی کمبودها هم خالی نبود که نتیجه بی تجربگی و ناپختگی تشکیل دهندگان آن بود . در آن زمان تحلیل صحیح این گونه مسائل برای کمونیست های ایران کار آسانی نبود . بنا بر این مقتضی بود که در این خصوص از رفیق

لنین و کومیترون مصلحت های ضروری خواسته شود .

در کنگره خلقهای شرق منعقد در باکو برای اعزام بمسکو قریب ۱۷ نفر نماینده انتخاب شده بود . از طرف حکومت انقلابی آذربایجان برای اعزام نمایندگان مزبور بمسکو یک قطار مخصوص راه آهن تجهیز شد که در آن چند واگن برای نمایندگان اختصاص داشت و برای حفظ جان آنان نگهبانان مسلح گمارده شده بودند .

کنگه اول امپریالیستی در روسیه آن روزه ویرانه های فراوانی ببار آورده بود که رفع کامل آنها حتی در سال ۱۹۱۰ برای مردم روسیه امکان پذیر نشده بود . مداخلات امپریالیست های جهان در کارهای انقلابی روسیه و عملیات ضد شوروی طبقات مرتجع داخلی که هنوز بکلی تارومار نشده بودند ، ادامه داشت . بعلت خرابی خطوط آهن و منظور پیش گیری از حوادث غیر منتظره قطار ما با سرعت معمول لازمه حرکت نمیکرد . حکومت شوروی برای اینکه واگن های ما با هجوم ناگهانی دشمنان مواجه نگردد یکسلسله اقدامات لازمه را بعمل آورده بود . قطار ما از ایستگاه « مزدوک » بسبب مصادمه میان قزاقهای انقلابی و ضد انقلابی در تحت حفاظت قطار زره پوش که با توپها مجهز بود براه خود ادامه میداد . ما گاهی اوقات از واگنهای خود میدیدیم که چگونه قزاقهای سرخ قزاقهای مرتجع را تعقیب میکنند .

به حال بمسکو رسیدیم ، لنین کبیر در آن روزها سخت بیمار بود و دکتر هاشرکت او را در کارهای حزبی و دولتی بطور قطع منع کرده بودند . لیکن ما در آن زمان بسبب ناپختگی خود و ثانیاً نظر باینکه ملاقات با لنین و اخذ مصلحت ها و راهنماییها را از وی اکیداً بماتوصیه کرده بودند ، به دستور دکتورها رضایت نشان ندادیم و نخواستیم رفیق لنین را ندیده و رهنمود های او را از خود وی نشنیده باز گردیم . ما خواهش مؤکد کردیم که رفیق لنین ما را بحضور خود راه دهد ، سرانجام در نتیجه خواهشهای مکرر خود موفق شدیم که بحضور رفیق لنین برسیم .

ما در یکی از عمارات کاخ کرملین در اطاقهای پهلوی خوابگاه رفیق لنین گرد آمیم . کمی نگذشت که رفیق لنین باهمان حالت بیماری ، در خوابگاه خود را کثوده به اطاقی که ما نشسته بودیم وارد شد . ما از جا برخاستیم و رفیق لنین را با خرسندی تمام استقبال کردیم . این اطاق آنقدر بزرگ نبود و در وسط آن یک میز بزرگ دراز گذاشته و در اطراف آن صندلیهایی چیده بودند . رفیق لنین بکنار میز آمده و نشست ، در دست راست لنین یک بانوی منشی نشست که نامش در خاطر من مانده است . در سمت چپ لنین

استالین نشست ، کمی دورتر از میز در کنار دیوار رفیق چیچرین وزیر امور خارجه وقت نشست . رنگ و روی چیچرین پریده بود و معلوم بود که او نیز مثل رفیق لنین بیمار است . وی گرچه در ردیف ما نشسته بود ولی به گفتگوها و اطلاعاتی که میدادیم با دقت گوش میداد .

در این وقت رفیق ارژنه نیکیدزه داخل شده و در پشت سر لنین به لب پنجره ای که

استالین نشست ، کمی دورتر از میز در کنار دیوار رفیق چیچرین وزیر امور خارجه وقت نشست . رنگ و روی چیچرین پریده بود و معلوم بود که او نیز مثل رفیق لنین بیمار است . وی گرچه در ردیف ما نشسته بود ولی به گفتگوها و اطلاعاتی که میدادیم با دقت گوش میداد .

روزی ویرانه های فراوانی ببار آورده بود که رفع کامل آنها حتی در سال ۱۹۱۰ برای مردم روسیه امکان پذیر نشده بود . مداخلات امپریالیست های جهان در کارهای انقلابی روسیه و عملیات ضد شوروی طبقات مرتجع داخلی که هنوز بکلی تارومار نشده بودند ، ادامه داشت . بعلت خرابی خطوط آهن و منظور پیش گیری از حوادث غیر منتظره قطار ما با سرعت معمول لازمه حرکت نمیکرد . حکومت شوروی برای اینکه واگن های ما با هجوم ناگهانی دشمنان مواجه نگردد یکسلسله اقدامات لازمه را بعمل آورده بود . قطار ما از ایستگاه « مزدوک » بسبب مصادمه میان قزاقهای انقلابی و ضد انقلابی در تحت حفاظت قطار زره پوش که با توپها مجهز بود براه خود ادامه میداد . ما گاهی اوقات از واگنهای خود میدیدیم که چگونه قزاقهای سرخ قزاقهای مرتجع را تعقیب میکنند .

به حال بمسکو رسیدیم ، لنین کبیر در آن روزها سخت بیمار بود و دکتر هاشرکت او را در کارهای حزبی و دولتی بطور قطع منع کرده بودند . لیکن ما در آن زمان بسبب ناپختگی خود و ثانیاً نظر باینکه ملاقات با لنین و اخذ مصلحت ها و راهنماییها را از وی اکیداً بماتوصیه کرده بودند ، به دستور دکتورها رضایت نشان ندادیم و نخواستیم رفیق لنین را ندیده و رهنمود های او را از خود وی نشنیده باز گردیم . ما خواهش مؤکد کردیم که رفیق لنین ما را بحضور خود راه دهد ، سرانجام در نتیجه خواهشهای مکرر خود موفق شدیم که بحضور رفیق لنین برسیم .

ما در یکی از عمارات کاخ کرملین در اطاقهای پهلوی خوابگاه رفیق لنین گرد آمیم . کمی نگذشت که رفیق لنین باهمان حالت بیماری ، در خوابگاه خود را کثوده به اطاقی که ما نشسته بودیم وارد شد . ما از جا برخاستیم و رفیق لنین را با خرسندی تمام استقبال کردیم . این اطاق آنقدر بزرگ نبود و در وسط آن یک میز بزرگ دراز گذاشته و در اطراف آن صندلیهایی چیده بودند . رفیق لنین بکنار میز آمده و نشست ، در دست راست لنین یک بانوی منشی نشست که نامش در خاطر من مانده است . در سمت چپ لنین

استالین نشست ، کمی دورتر از میز در کنار دیوار رفیق چیچرین وزیر امور خارجه وقت نشست . رنگ و روی چیچرین پریده بود و معلوم بود که او نیز مثل رفیق لنین بیمار است . وی گرچه در ردیف ما نشسته بود ولی به گفتگوها و اطلاعاتی که میدادیم با دقت گوش میداد .



لنین در هیئت رئیسه کنگره انترناسیونال

بطرف حیاط گشاده میشد تکه کرد و ایستاد . ما در حضور رفیق لنین خود را بسیار آزاد احساس میکردیم و راز دل خود را کاملاً بی پرده و آزادانه بیان نمودیم . وقتیکه یک نفر از نمایندگان داغستان از عملیات رفیق ارژنه نیکیدزه هنگام کارش در داغستان انتقاد کرد ، رفیق ارژنه نیکیدزه در صدد پاسخ برآمد ، لیکن رفیق لنین سررا بجانب وی گرداند و او را بسکوت دعوت کرد ، ارژنه نیکیدزه خاموش ماند . بدین طریق لنین کبیر امکان کامل داد که نماینده مذکور سخنان تنقید آمیز خود را کاملاً آزادانه بیان دارد و تمام کند .

من در این مجلس سخنان دوم بودم . بعد از سخن نماینده یکی از خلقهای آسیای میانه بمن اجازه صحبت دادند . من درباره بعضی نقایص مربوط به تشکیل و فهرست کاندید های انتخابات کنگره اول کمونیست های

نامزد های کمیته مرکزی داخل کرده بودند که هنوز از یک مرحله امتحان جدی گذشته و در هیچ یک از جنبش های انقلابی شرکت نجسته و در هیچیک از عملیات جدی انقلابی صداقت خویش را نشان نداده بودند . رفیق لنین بجزئیات ما با دقت گوش میداد لیکن از قرار معلوم طبق تأکید و دستور دکتورها وی پاسخ دادن به سخنان ما را به استالین واگذار کرده بود . همه ما از اینکه رفیق لنین را بچشم خود دیده و درد دل خود مان را آشکارا و بی پرده برای او بیان کرده بودیم و از اینکه رفیق لنین با وجود بیماریش ما را بحضور پذیرفته بود بسی خرسند و خوشوقت بودیم .

از قرار معلوم رفیق لنین فقط به بیاناتی که در جلسه در جواب ما گفته شده بود دنباله در صفحه ۵

مارکسیسم هرگز به اشکالی از مبارزه که در یک دوره معین ممکن و موجود است اکتفا نمیکند، بلکه با تغییر اوضاع و احوال اجتماعی - ناگزیری پیدایش اشکال تازه‌ای از مبارزه را که رهبران آن دوره از آن بیخبرند - برسمیت می‌شناسد.

(لنین، جلد ۱۱، ص ۱۸۶)

## لنین در باره

### مبارزه بر ضد ایدئولوژی خرده بورژوائی

آن تا زمانیکه اقتصاد خرده و تولید خرده کالایی، بکلی از بین نرفته است، وضع خرده بورژوائی، عادات ناشی از مالکیت و سنتهای خرده بورژوائی به کار پرولتری هم در خارج و هم در داخل جنبش کارگری زبان میرساند. (کلیات آثار بروس - جلد ۴۱ ص ۱۰۳)

گذار قشرهای غیر پرولتری زحمتکشان به مواضع طبقه کارگر و سوسیالیسم بوسیله خود منطق مبارزه طبقاتی و در جریان حوادث تاریخی انجام میگردد. و همین است که دائماً توهامات خرده بورژوائی را در هم میشکند و صحت سیاست سوسیالیستی و درستی نتیجه گیریهای مارکسیستی - لنینیستی را تأیید میکند. ولی توهامات خرده بورژوائی در موقعیت تاریخی جدید و در ارتباط با اوضاع و احوال تازه و بمناسبتهای گوناگون تجدید میشود. لنین مینویسد: «سخت جانی این پیشداوریهای دموکراتهای خرده بورژوا بطور اجتناب ناپذیری با دوری آنها از مبارزه شدید طبقاتی مربوط است.» (جلد ۳۷ - ص ۹۲)

تکامل سرمایه داری به مرحله امپریالیستی آن بطور اجتناب ناپذیری به از بین رفتن قشرهای «قدیمی» تولید کنندگان کوچک (دهقانان و پیشه وران) و ایجاد و توسعه قشرهای جدید منجر میشود. پروسه انقلاب علمی و فنی، رشد کارمندان دفتری شرکتها و بانکهای سرمایه داری، توسعه کارمندان فنی و روشنفکران - همه اینها منجر به ایجاد گروههای اجتماعی متعددی میشود که در شرایط سرمایه داری ما قبل انحصاری دارای وزن بسیار کمی بودند. خصوصیت این گروهها اینست که نمایندگان آنها موقعیت بسا بیثباتی اشغال میکنند و موقتاً بین طبقه کارگر و بورژوازی بزرگ در نوسان اند. «قشر فوقانی» این گروهها از امتیازات معینی برخوردارند که آنها را برتر از وضع کارگران ساده قرار میدهد. از جانب دیگر نا ایمنی وضع اجتماعی و مادی آنها، فشار قدرت بورژوازی و دستگام قدر قدرت بوروکراتیک انحصارها انگیزه‌ای برای اکثریت آنهاست که بمبارزه بر ضد امپریالیسم برخیزند. این عوامل موجب نزدیکی آنها به طبقه کارگر و سایر نیروهای ضد امپریالیستی میگردد. پروسه تلاشی سیستم مستعمراتی بورژوازی دهقانان و توده‌های زحمتکش این کشورها در زندگی فعال سیاسی منجر شده است. در گذشته آنها از سیاست برکنار بودند و تحت فشار امپریالیسم، که با اعمال زور و بنام تسلط

مقاله‌ای که ترجمه و تلخیص آن در زیر به نظر خوانندگان گرامی «مردم» میرسد در شماره ۲۱ فوریه ۱۹۷۰ روزنامه «پراودا» ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی بچاپ رسیده است. از آنجا که در مین ما و جنبش ما نیز ایدئولوژی خرده بورژوائی و تظاهرات اپورتونیستی راست و «چپ» آن فعالیت دارد و همچنین بمناسبت صدمین سالروز تولد لنین، مطالعه این مقاله برای خوانندگان گرامی «مردم» سودمند شمرده شد.

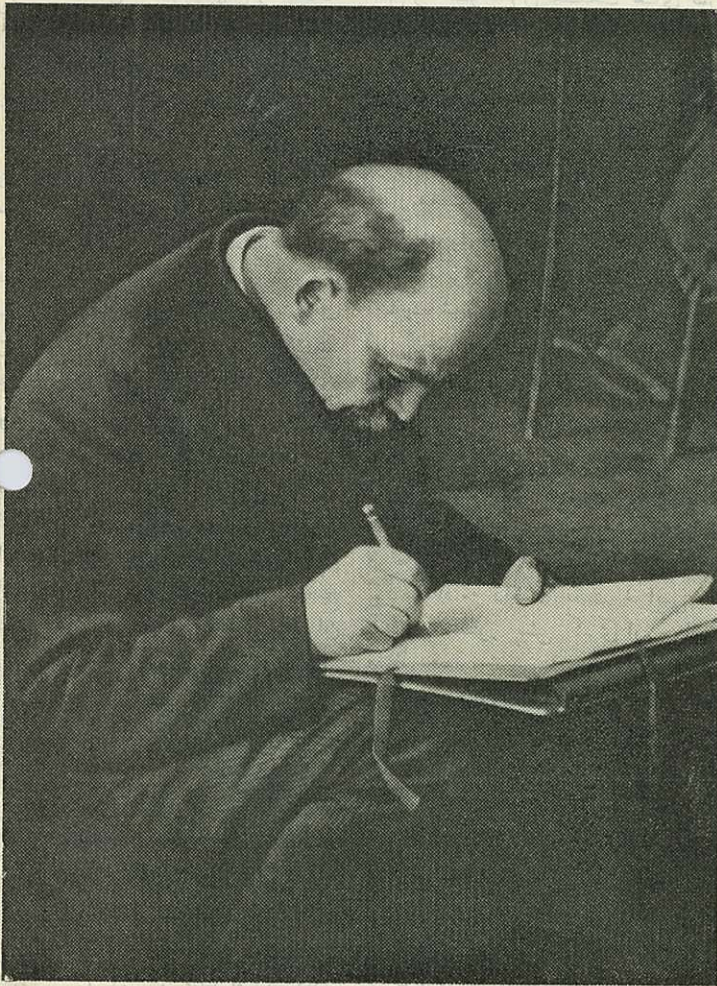
«مردم»

سوسیالیسم، که در یک سوم جهان پیروز شده است، در نبرد جهانی برای جلب عقول و قلوب مردم هر روز موفقیت‌های جدیدی بدست می‌آورد. هر روز قشرهای وسیعتری از توده‌های زحمتکش بدور طبقه کارگر انقلابی، بدور احزاب مارکسیستی - لنینیستی او گرد می‌آیند. زیرا امروز فقط سوسیالیسم قادر است که معضلات اساسی بشریت را حل کند، استثمار انسان از انسان و ستم ملی را از بین ببرد، تکامل فارغ از بحران اقتصاد را بسود مردم تأمین کند، حقوق سیاسی و اجتماعی زحمتکشان را تضمین نماید و شرایط لازم را برای تحقق دموکراسی واقعی، برای شرکت توده‌های وسیع زحمتکش در رهبری جامعه، برای تکامل همه جانبه شخصیت انسان، برای تساوی ملتها و دوستی بین خلق‌ها بوجود آورد.

طبقه کارگر و احزاب مارکسیستی - لنینیستی او مبارزان بیکسیر منافع همه مردم زحمتکش اند. همکاری روز افزون دهقانان قشرهای متوسط شهری و روشنفکران با طبقه کارگر در مبارزه بر ضد امپریالیسم و بخاطر دموکراسی و سوسیالیسم مبین این واقعیت است.

لنین طبقه کارگر و کمونیست‌ها را دعوت میکرد که در مبارزه بر ضد نیروهای ارتجاع بیوسه به قشرهای غیر پرولتری شهر و ده و قبل از همه دهقانان زحمتکش تکیه کنند. و درست همان اتحاد محکم طبقه کارگر و دهقانان و قابلیت حزب بلشویکها در جلب توده‌های روشنفکر زحمتکش بود که پیروزی انقلاب سوسیالیستی، دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان موفقیت آمیز سوسیالیسم را در کشور ما تأمین کرد.

در همانحال لنین خطر نفوذ خرده بورژوائی را در جنبش کارگری خاطر نشان میساخت و میگفت که هرگونه کم بها دادن به این خطر میتواند راه را برای نفوذ یک ایدئولوژی دشمن مارکسیسم - لنینیسم در جنبش کمونیستی باز کند. لنین مینویسد: «مادام که بورژوازی ساقط نشده و پس از



لنین در یکی از جلسات کمیته‌ترین

این جریان ویژه در دورانه‌های راه‌مسائی، هنگام بروز مشکلاتی در ساختمان سوسیالیسم و در زمان تشدید مبارزه بین سوسیالیسم و امپریالیسم روی میدهد. لنین تأکید میکند که پس از کسب قدرت، سیاست اقتصادی دولت سوسیالیستی اهمیت عظیمی کسب میکند. یعنی تسلط بر آنچه‌ان شیوه‌های رهبری که امکان محاسبه و کنترل را تضمین میکند و اثر بخش‌ترین سازمان کار تمام جامعه سوسیالیستی را تأمین مینماید.

مشتی استثمارگری بیحقی کامل سیاسی را، به مردم تحمیل نمیکرد، قرار داشتند. در مبارزه بر ضد امپریالیسم خلقهای کشورهای رشد یافته در وجود نیروهای سوسیالیسم و جنبش کارگری متحد طبیعی خود را می‌یابند. برخی از این کشورها در راه تکامل غیر سرمایه داری گام گذاشته اند. در همانحال سیاست نواستعماری امپریالیسم، فقدان طبقه کارگر رشد یافته و شیوع بیسوادی بناچار درجریانات ایدئولوژیک این کشورها، که راه تکامل مستقل را در پیش گرفته اند، منعکس میگردد.

در کشورهای سوسیالیستی نیز در دوران اولیه قشرهای خرده بورژوازی هنوز وجود دارند که نمیتوانند بلافاصله پس از انقلاب سوسیالیستی اصول مارکسیسم - لنینیسم را بطور ارگانیک بپذیرند و مانند طبقه کارگر موضع بگیرند. پروسه تجدید تربیت و تجدید جهت یابی آنها دورانی طولانی بطول میانجامد. این قشرها بتدریج ساختمان جامعه نوین جلب خواهند شد ولی تا مدت نسبتاً طولانی عادات و عقاید خود را، که گاهی ظاهراً «ناگهان» بروز میکند، حفظ میکنند.

گرایشهای خرده بورژوائی بر حسب شرایط مشخص تاریخی دارای بیان ایدئولوژیک ژیک گوناگونی است. ولی ماهیت ارتجاعی ایدئولوژی خرده بورژوائی بطور احتراز ناپذیری در این واقعیت منعکس میگردد که این ایدئولوژی میکوشد خود را در مقابل ایدئولوژی سوسیالیستی و پرولتاریائی قرار دهد. و در همین جاست که در تضاد با منافع اساسی واقعی توده‌های زحمتکش قرار میگردد. این جریان آشکارا در تجدید نظر در

# چگونگی شکل اعمال جبر را درجه تکامل طبقه انقلابی و سپس اوضاع و احوال خاص نظیر مثلا ارتبه جنگ طولانی و ارتجاعی و آنگاه اشکال مقاومت بورژوازی و خرده بورژوازی معین میکند.

(لنین، جلد ۲۷، ص ۲۳۸)

نابود خواهند شد. مردم زحمتکش مهن ما مسلماً رشته سرنوشت خود را بدست خواهند گرفت. ایران مسلماً بسوی سوسیالیسم خواهد رفت و به جنبش عمومی تکامل عصر ما خواهد پیوست. کسانیکه به پیش بینی لنین در باره سیر تاریخ ایمان دارند، باین نتیجه گیریها نیز ایمان دارند. ۱. سپهر

دنباله از صفحه ۳

## دیدار من با لنین

اكتفا نوززیده و برای تحقق فکر خود درباره خواستههای ما رهنمود مخصوصی داده بود که ما آن را بعمض باز گشت به باکو دیده و احساس کردیم. کمونیستهای صديق ایرانی با کمک کمترین و باتکا رهنمودهای رفیقانه لنین توانستند در رهبری حزب وضع نوی بدید آورند. حیدر خان عمو اغلی مقام شایسته خود را در کمیته مرکزی اشغال کرد.

بعد از این تاریخ اعضای حزب کمونیست ما که از یاری و راهنمایی لنین کبیر داکرم شده بودند، تحت رهبری حیدر خان عمو اغلی دبیر مسئول نوین حزب در اجرای مواد برنامه حداقل حزب با کمال جدیت کوشیده و با وحدت تمام کار میکردند و از هیچ دشواری باک و هراسی نداشته و برای ترویج و تحقق افکار عالی لنین در شرق و تربیت مبارزان صادق راه آزادی زحمتکشان از اسارت امپریالیستها و چا کرانشان در وطن ما هر گونه سختی را متحمل میشدند. بطوریکه عدهای از فعالین جدی از قبیل رهبر حزب حیدرخان عمو اغلی، اعضای کمیته ایالتی گیلان: نصراله شیخ اوف، میرباقر زنجانی، ارباب زاده تبریزی و عده دیگر از پیروان رشید و صادق حیدر طی نبرد های نایاب برابر با دشمنان جان خود را فدای خلق زحمتکش ایران نمودند. گرچه آنان با اجرای کامل مواد برنامه حزب موفق نشدند ولی در عین حال کادر هائی پرورش دادند و تخم افکار عالی لنین را در شرق نزدیک کاشتند که بی شبهه زحمتکشان از میوه های شیرین آن بهره مند شده و خواهند شد.

آری لنین کبیر در زمان حیات خود با افکار حکیمانه و انقلابی خویش روسیه را از زنجیرستم سرمایه داران نجات داد و برای رهایی دیگر ملل زحمتکش جهان از یوغ سرمایه راه صحیحی را نشان داده و آن راه را با پرتوهای مارکسیسم-لنینیسم روشن نمود.

بهرام سیروس

## توجه

بمناسبت صدمین سالگرد تولد لنین منتخبات لنین بزبان فارسی در چهار جلد تجدید چاپ خواهد شد. جلد اول بزودی انتشار خواهد یافت.

دنباله از صفحه ۲

## آینده ای که لنین میدید

هموار نیست و تنها از طریق مبارزه سرسخت و جسورانه میتوان آنرا تا پایان ظفر بخش طی کرد. باید، چنانکه لنین گفت، در پیچ و خم راه و زیگزاگ تاریخ گمراه و مأیوس نشد، دورنما را از دست نهد. باید، چنانکه لنین گفت، «در امر فوق العاده دشوار توانست چندین بار از نو شروع کرد: شروع کردی، در بن بست افتادی، دوباره شروع کن و بهمین ترتیب ده بار کارت را تغییر بده، ولی سرانجام به مراد خویش دست یاب!»

## ۴ - خوش بینی انقلابی

پیش بینی علمی لنین از آینده بشر برانگیزنده احساس خوش بینی و نشاط انقلابی است. امپریالیسم، با آنکه گماکان نیرومند است، ولی در زیر بار جنایات رنگارنگ خود که کمترینش براه انداختن جنگهای خونین و غارت بیدریغ جهان است خورد و مدفون خواهد شد، سوسیالیسم، با آنکه نظامی است نوین و هنوز باید برای غلبه نهائی اقتصادی خود راه معینی را در سنگلاخ زمان طی کند. با تمام فضایل معنوی و انسانی خود پیش از پیش خواهد درخشید و همه گوشه های تاریخ جهان ما را روشن خواهد ساخت. بجای یأس و لند لند، باید برای مبارزه با زو گشاد و در روزهای دشوار در سنگر اعتقاد انقلابی خود سرسخت ایستاد. برای مهن ما نیز شب ابدی نیست. تاجداران کاخ نشین، غارتگران خلق، چا کران امپریالیسم مسلماً

کارگری و کمونیستی جدا کنند. آنها بدین منظور هم از جمله پردازی «ماوراء چپ» و هم از اپورتونیستهای راست استفاده میکنند. کمونیستها موظفند تمام نیروی خود را بکار برند تا این توده ها تسلیم این پیشداوریه ها، که از طرف نیروهای ضد کمونیستی فعالانه تبلیغ میشود، نگردند.

تجربه تاریخی آشکارا نشان میدهد که اگر قشر های خرده بورژوائی غیر پرولتری بطور عینی با سیاست ضد سوسیالیستی بورژوائی درآمیزند، بعنوان نیروی مخرب و دشمن ترقی اجتماعی عمل میکنند. برعکس اتحاد با جنبش کارگری و کمونیستی در مبارزه، به قشر های غیر پرولتر امکان میدهد که بهدفعهای مثبت خود برسند و به آزادی از یوغ امپریالیسم و استثمار دست یابند. تحقق منافع واقعی قشر های زحمتکش غیر پرولتر فقط با مبارزه در راه دموکراسی حقیقی، ترقی اجتماعی، آزادی و سوسیالیسم و در پیوند نزدیک با طبقه کارگر و تحت رهبری احزاب مارکسیستی - لنینیستی ممکن است.

لیستی آمادگی نشان میدهد. و این مواضع با تئوریهای شماتیک غیر طبقاتی، با کوشش برای یوشاندن تضاد اصلی دوران ما و پیش کشیدن عوامل منطقه ای، ملی و نژادی توجیه میشود.

ناسیونالیسم در مبارزه ایدئولوژیک های بورژوا و خرده بورژوا بر ضد اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری وسیله اصلی شده است. در نتیجه نفوذ روز افزون اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی در جهان ایدئولوژیک های خرده بورژوا معمولاً میکوشند که عدول خود را از اصول مارکسیسم - لنینیسم پنهان کنند، بدین ترتیب که وانمود مسازند که آنها برای تکامل مارکسیسم - لنینیسم و انطباق آن با شرایط و مقتضات کنونی میکوشند. ولی در واقع آنها تلاش میکنند که مارکسیسم - لنینیسم را با خود خواهی ملی خود «منطبق» سازند. خود خواهی ملی به ایجاد آئین ها و نظریاتی منجر میشود که هدفش توجیه اعمالی است که با اصول انترناسیونالیسم سوسیالیستی مبیانت دارد و سیاست بازی غیر اصولی را جانشین سیاست دیگری مبتنی بر پایه طبقاتی مسازد. در دوران ما پیوند بین ایدئولوژی امپریالیستی و ایدئولوژی خرده بورژوائی و اشکال ارتجاعی و ضد سوسیالیستی. روزان بیش از پیش آشکار میشود. تلاش خرده بورژوازی برای یافتن «وسیله نجات بخشی برای حل همه مسائل» بشریت، که از وضع متضاد اجتماعی وی سرچشمه میگردد، با تلاش ایدئولوژیکهای امپریالیستی برای یافتن وسیله نجات امپریالیسم، که از نظر تاریخی دورانش پایان رسیده، یکی است.

فاشیسم که تلاش سرمایه داری انحصاری برای نجات خود بوسیله دیکتاتوری تروریستی آشکار و سیاست ماجراجویانه بود، در عین حال برچسب ایدئولوژی خرده بورژوائی داشت.

موفقیت مبارزه برای ترقی اجتماعی بمقاس زیاد وابسته به آنست که توده های زحمتکش غیر پرولتر در کشور های سرمایه داری از چه کسی پیروی کنند. کمونیستها موظفند تمام نیروی خود را بکار برند تا این توده ها از منافع خود پیروی کنند و از نظر سیاسی با جنبش کارگری و کمونیستی متحد گردند. نیروهای ضد کمونیستی مدرن میکوشند توده های غیر پرولتر را از جنبش

تغییر شماره حساب بانکی بیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مسائل بین المللی بشری زیر تغییر یافته است.

Sweden  
Stockholm  
Stockholms Sparbank  
N: 0 400 126 50  
Dr. John Takman

مارکسیسم - لنینیسم از راست و از «چپ» نمایان میگردد. در ظاهر مواضع رویزیو - نیسته های راست و «چپ» باهم آشتی ناپذیرند. ولی از آنجا که پایه ایدئولوژیک اپورتونیسم راست و ماجراجوئی «چپ» یکی است - این پایه عبارتست از نوسان و ناپذیری آن قشر های اجتماعی که با تصورات خرده بورژوائی آلوده شده اند - این انواع رویزیو - نیسم گرایشهای را در بر میگيرند که باهم پیوند دارند. هر گونه تلاشی برای از بین بردن پیوند بین نظریات رویزیونیستی راست و اپورتونیسم «چپ» بیهوده است. لنین پیوند بین هر دو شکل اپورتونیسم را عمقا افشاء کرده و نشان داده است که این دو از یکدیگر تغذیه میکنند، که آنها بیک اندازه با مارکسیسم و اصول جنبش کمونیستی یکنه اند.

افکار رویزیونیستی، که از ته مانده ناسیونالیسم برمبغزند، بر اساس نقش سیاسی و اجتماعی خود بطور عینی در چارچوب تلاش های ارتجاع امپریالیستی، که هدفش تفرقه اندازی بین نیروهای ضد امپریالیستی و ضربه زدن به نیروهای اصلی سوسیالیسم و قبل از همه اتحاد شوروی است، عمل میکنند. حملات رویزیونیستهای خرده بورژوا علیه اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی برای بورژوازی تأثیر کمتری از حملات رو در رو و آشکار ایدئولوژیکهای امپریالیستی ندارد. علاوه بر این ایدئولوژی بورژوازی امپریالیستی فقط زمانی میتواند بشکلی از اشکال و که پیش به پشتیبانی توده ای امید داشته باشد به خود را با ایدئولوژی خرده بورژوائی پیوند دهد. در همین جاست خطر سیاسی تلاشهای خرده بورژوائی، که پدیده های بین المللی را جدا از مبارزه دو سیستم متضاد سیاسی و ارتجاعی مورد بررسی قرار میدهد. ایدئولوژی خرده بورژوائی میتواند وسیله تحقق سیاست ضد کمونیستی قرار گیرد. عناصر خرده بورژوا در این آرزو که «آزاد» باشند و در وراء طبقات و احزاب قرار گیرند، پیوند های خود را میبرند و فعالیت نیروهای امپریالیستی را تسهیل میکنند. کمونیستهای واقعی از موضع آشکار طبقاتی بمقابله با اقدامات تجاوز کارانه نیروهای امپریالیستی و میلیتاریستی برمبغزند، حملات آنها را بطور شایسته دفع میکنند و فعالانه برای تخفیف وخامت اوضاع، پیشرفت در زمینه مناسبات بین المللی، تأمین صلح و امنیت خلقها مبارزه میکنند. رویزیونیسم خرده بورژوائی به این سیاست نمی پیوندد. او با دچار روحیه افراطی جنگ طلبانه میشود و میکوشد که خلقها را به یک جنگ هسته ای بکشاند و یا برای سازش و موافقت های غیر اصولی مخفی و آشکار با نیروهای امپریالیستی

## کشور های عقب مانده بکمک پرولتاریای کشورهای پیشرو میتوانند بدون طی مرحله رشد سرمایه داری به نظام شوروی

و پس از طی مراحل معین رشد به کمونیسم برسند. (لنین، جلد ۴۱، ص ۲۴۶)

دنباله از صفحه ۱

## حق شناسی مردم ایران از لنین

## سرودی در ستایش لنین

بیاشفت دنیا و خون همچو سیل  
برون رفت از اندازه حد و کیل  
ز هر کشوری بی ثمر کشته شد  
بهر جبهه ای کشته ها بسته شد  
فراخواند قحط و غلابوم جنگ  
جز این نیست آورده شوم جنگ!  
جهانی همه چشم در انتظار  
که چون صلحی از نوسود برقرار؟  
در این گریه دار آنچنان مرد کو؟  
که او افکنند بانگ بر چارسو؟  
همی بر درد پرده از روی جنگ  
جهان باز گرداند از سوی جنگ  
چنین مرد پرورده بودش زمان  
که پاسخ دهد بر امید  
چو خورشید پرتویشان بر زمین  
لنین بود داهی عصر آفرین!  
که زد دست بر حره انقلاب  
وز «اکتبر» افروخت چون آفتاب  
یکی جاودان نور گیتی فروز  
که روشن کند بر سه روز روز  
ره نهضت مردمان باز شد  
سوی عصر نو رفتن آغاز شد  
سر مایه فتنه سرمایه بود  
که از جنگ و خویش همی بایه بود  
کشید او بخاک و خون یک جهان  
که از خوان یغما برد بهره خان  
لنین راه وارستگی باز کرد  
سخن را همی رو بسرباز کرد  
ز هر سوی هر کس که میبخت سر  
همه برزگر بود یا کا  
لنین دست سرباز فرسوده را  
سه و اند سالی نیاسوده را  
گرفت و بدامان مردم کشاند  
ز قربانی سود خواران رهند  
یکی جبهه آراست از مردمان  
که در راه مردم فشانند جان  
نه تنها خود از جنگ برداشت دست  
کمر را ز جنگ جهانی شکست!

جهانا وجودی چنین را بیال  
مهمین سالگرد لنین را بیال  
چنین کس نه پیدا شود هر زمان  
چنو را بخاطر ندارد جهان  
نه همتاش چشم زمان دیده است  
نه چون کار او کار بشیده است  
ز میلاد وی قری از سر گذشت  
رخ و رنگ گیتی در گونه گشت  
زید تا جهان هست نام لنین  
بر او و به حزیش هزار آفرین!

علی امیرخیزی

بمناسبت جشن صدمین سال تولد لنین بزرگ لازم میدانم قسمتی از مشاهدات خود را در مورد قدر دانی و حقیقت شناسی و علاقه مردم ایران به لنین در نیم قرن پیش، برای اطلاع خوانندگان عزیز ماهنامه مردم یادآور شوم.

در تاریخ ۱۷ دیماه ۱۲۹۶ دموکراتهای آذربایجان که تشکیلات آنها از ۵ سال پیش مخفی بود و تحت تأثیر انقلاب اکتبر علنی گردید و تا تشکیل کنگره وسیع باز کمیته سری آنرا رهبری میکرد تلگراف مفصل تشکر و تبریک بامضای شیخ محمد خیابانی به لنین بزرگ مخابره کردند و جواب محبت آمیزی رسید که متن هر دو تلگراف در فوق - العاده روزنامه تجدد چاپ و منتشر گردید چون متن آن دو تاگراف کاملاً در خاطر من مانده است برای اینکه مبدا تحریفی رخ ندهد، متأسفانه نمیتوانم از متن آنها سخنی بگویم.

\* \* \*

در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۲۹۶ در مسجد جامع تبریز تمام طبقات مردم اجتماع کردند، بطوریکه مسجد بان بزرگی و حیاط وسیع آن و اطراف پر از جمعیت بود. تعداد جمعیت را ده هزار نفر میگویند. اولین ناطق حاج میرزا علی اکبر معروف به مجاهد بود، از بیانات او آنچه بخاطر من است چنین است. او گفت: لنین دوست مظلومین و دشمن ظالمین است. او تاج و تخت امپراطور را در روسیه سرنگون کرد، هم روسیه را هم سایرین را و بیش از همه ما را که در دست او اسیر مانده و چیزی باضعلال ما باقی نمانده بود خلاص نمود. او بزرگترین و بهترین دوست و حامی ما است. ما حالا خرسند و شکر گذاریم و روح شهدای ما شاد است زنده و فیروز باد لنین.

\* \* \*

در دوره چهارم مجلس شورای ملی روزیکه قرار داد ۱۹۲۱ ایران و شوروی مطرح و تصویب شد، باغ بهارستان و میدان جلو مجلس و اطراف پر از جمعیت بود. این روز روز با اهیتی بود. نطق مفصل سلیمان محسن اسکندری را که از طرف فراکسیون پارلمانی حزب اجتماعون عامیون سخن میگفت و یکی از نطقهای بسیار پر هیجان و مهم او در چند دوره مجلس است باید بخاطر آورد. او از لنین بسیار تحلیل کرد و در آخر نطق خود گفت: اگر انقلاب کبیر و لنین نبود امروز این مجلس و من و شما وجود نداشتیم و در اینجا نشسته بودیم تا سخنی بگوئیم.

\* \* \*

پس از آنکه بانک استقراضی روس به ایران واگذار شد و از طرف دولت مرتضی خان ممتاز الملک و علیرضا خان بهاء الملک بعنوان امنای دولت معین شدند چند تن از روز - نگاران با ممتاز الملک مصاحبه کردند آنچه که در روزنامه ستاره ایران خواندم و آنقدریکه در خاطر من مانده این است، ممتاز الملک گفته بود: مراجعه بدفاتر و اسناد بانک حتی بطور اجمال نشان میدهد که ما در چه بلائی گرفتار بوده ایم و دولت تزار با دسائس دولت انگلیس ما را از لحاظ اقتصادی به چه مضیقه ای دچار کرده بوده است دیگر رمقی باقی نمانده بود که لنین بداد ما رسید. این سخاوت و بخشش لنین بسیار پر ارزش است و رها شدن ما از این بلا و خلاصی از زیر بار این قروض کمر شکن و جان بدر بردن فقط با دلسوزی و همت لنین میسر شده است.

از نامه رفیق کهمنسال ما زین العابدین قیامی

«... حکومت شوروی که تمام وظائف خود را در زمینه همبستگی بین المللی با مبارزه کارگران تمام کشورها علیه تسلط سرمایه و در راه سوسیالیسم با ثبات قدم انجام داده است در آینده نیز با تمام نیروئی که در اختیار دارد برای کمک به جنبش جهانی سوسیالیستی و تأمین و تسریع موفقیت راهی که جامعه بشری را از یوغ سرمایه و از بردگی مزدوری نجات میدهد و موجبات ایجاد جامعه سوسیالیستی و صلح پایدار و عادلانه را میان ملل فراهم میسازد، مجاهدت خواهد ورزید.

(لنین، جلد ۲۷، صفحه ۱۷۴)

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

داخلی و خارجی و جور و ستم حکام و عمال آنان خاتمه دادند. دانش ژرف و نبوغ فکری لنین، بینش وسیع و همه جانبه وی توأم با عمل پیکر انقلابی و رهبری داهبانه اش نقش فاطمی در موفقت نخستین انقلاب سوسیالیستی و پیدایش اولین دولت سوسیالیستی جهان ایفا نموده است.

از آن پس تحول بنیادی عظیمی در جامعه فرتوت انسانی رویداد و دوران جدیدی در تاریخ بشریت آغاز گردید که مضمون اساسی آن گذار از رژیم سرمایه داری به سوسیالیسم است.

لنین دانشمند برجسته و انقلابی بی همتا نه تنها میراث عظیم مارکس و انگلس، بنیاد گذاران سوسیالیسم علمی را از دستبرد انقلابی نمایان چپ و راست حفظ نمود بلکه در ارتباط با واقعیت و عمل انقلابی زمان خود و تغییراتی که پس از مرگ مارکس و انگلس در اوضاع جهان رویداده بود با کشفیات علمی و سیاسی و تعالیم داهبانه خود گنجینه گرانهای سوسیالیسم علمی را بنحو شایانی غنی تر ساخت. در این مورد سهم لنین چنان ارزنده و درخشان است که نام او با نام بنیاد گذاران داهی سوسیالیسم علمی توأم گردید و پس از مرگش تئوری انقلابی طبقه کارگر مارکسیسم-لنینیسم خوانده شد.

لنین در بر تو مارکسیسم اوضاع اجتماعی و تاریخی گوناگون را مورد بررسی قرار داد و بر پایه تغییراتی که بوقوع پیوسته بود احکام نوئی انتزاع نمود و تئوری انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه کمونیستی را همه جانبه بسط داد. لنین بر اساس شرایط مبارزه طبقاتی استراتژی و اصول متناسب تا کتیکی جنبش انقلابی طبقه کارگر را روشن ساخت، برنامه عمل آن و شرایطی را که ستاد جنبش، یعنی حزب طراز نوین طبقه کارگر، ضرورتاً باید برای پیروزی در نبرد خود علیه امپریالیسم و ارتجاع دارا باشد تعیین نمود.

تعالیم لنین نه تنها کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان شهر و ده روسیه را قدم بقدم برای عمل انقلابی آماده ساخت و نخستین انقلاب پرولتاری جهان را سازمان داد و به پیروزی رساند، بلکه همچون چراغ تابناکی راهنمای مبارزات انقلابی طبقه کارگر بین - المللی برای رهائی از قید استعمار گردید. لنین انترناسیونالیست یکپار، مجاهد راه تساوی حقوق ملل و صلح و دوستی میان ملتهاست. لنین دوست همه ملل ستمکش و کسی است که راه مبارزه پیروزمندان علیه استعمار، راه آزادی خلقها و نیل به استقلال ملی و حق تعیین آزادانه سرنوشت را بآنها نشان داد.

# ما تأثیر عمده خود را در انقلاب جهانی به نیروی سیاست اقتصادی خویش اعمال میکنیم . . . مبارزه در مقیاس جهانی

(لنین، جلد ۳۲، ص ۴۱۳)

باین عرصه منتقل شده است .

دنباله از صفحه ۶

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

نظر بهمین جهات است که اکنون در سرتاسر جهان خلقها و توده های زحمتکش خویشان را برای بزرگداشت میلاد فرخنده لنین، این نامی ترین مرد جهان معاصر، این انقلابی داهی، این دوست صدیق توده های زحمتکش، این دانشمند بزرگی که سراسر زندگی پر افتخار و دانش و پیش سرشار خود را وقف خدمت طبقه کارگر و رهایی کلیه توده ها و خلقهای جهان نموده است، از دل و جان آماده میکنند.

لنین — دوست بزرگ مردم ایران

لنین دوست صدیق مردم ایران، پشتیبان واقعی و بیگیر استقلال و آزادی کشور ما و جنبش رهایی بخش آنست. کمتر کشوری در جهان تا این درجه استقلال و تمامیت ارضی خود را مرهون زحمات و اقدامات انقلابی لنین و پیروزی انقلاب کبیر

اکتبر است. علاقه صادقانه و دوستی واقعی و بی شائبه لنین نسبت به مردم و نهضت رهایی بخش میهن ما که در اسناد تاریخی متعددی، چه مربوط به دوران پیش از انقلاب سوسیالیستی اکتبر و چه پس از آن، انعکاس یافته گویا ترین شاهد این ادعاست.

هنگامیکه مجاهدین غیور انقلاب مشروطیت بسر کردگی ستار خان گرد آزادی و سردار ملی بقیام دلاورانه تیریز دست زده بودند و محمد علی شاه قاجار بیاری دولت استعماری تزاری بسر کوب انقلاب ملی همت گماشتند لنین به پشتیبانی از نهضت آزادی

خواهی ایران برخاست و در مقالاتی که بوسیله روزنامه پروتاری در سال ۱۹۰۸ (۱۲۸۷) منتشر گردید، مداخه دولت ضدانقلابی تزاری را بمنظور سرکوب انقلاب ایران بشدت محکوم نمود و همدستی ضمنی دولتهای استعماری انگلستان و فرانسه را در این توطئه افشاء ساخت. لنین در این نوشته ها با احترام

عمیق جنبش انقلابی مردم ایران را که در برابر نیروهای شاه و حتی با کمک لیاخوفهای روسی و دیدوهای انگلیسی چنین موفقیت آمیز پایداری میکند، ستود و آنرا دلیل مسلمی بر غلبه نهائی انقلاب تلقی نمود.

در سال ۱۹۱۲، هنگام انعقاد کنفرانس سرتاسری حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه در پراگ یکبار دیگر لنین به پشتیبانی از جنبش انقلابی مردم ایران برخاست و در قطعنامه ای که تحت عنوان «هجوم حکومت روسیه بایران» بتصویب کنفرانس رساند همدردی کارگران و زحمتکشان روسیه را نسبت بخلق ایران و انقلابیون غیور آن اعلام نمود و نفرت بی پایان و انزجار شدید حزب طبقه کارگر روسیه را نسبت باعمال غارتگرانه و وحشیانه حکومت استبدادی تزاری ابراز

داشت .

بلافاصله پس از پایان پیروزمندانه انقلاب اکتبر لنین ضمن پیامی که در سوم دسامبر سال ۱۹۱۷ (۱۲۹۶) بنام دولت شوروی خطاب بمسلمانان زحمتکش روسیه و خاور زمین فرستاده بود اعلام داشت: «معاهده تقسیم ایران را پاره شده و باطل اعلام میداریم» و در یادداشتی که در ۲۷ ژانویه ۱۹۱۸ بکار دار ایران در پتروگراد تسلیم شد یکبار دیگر رسماً اعلام گردید که «شورای کمیسرهای خلق معاهده ۱۹۰۷ انگلستان و روسیه را مغایر با آزادی و استقلال مردم ایران میداند و آنرا برای همیشه فسخ شده اعلام میدارد. شورای کمیسرهای خلق بهمین طریق کبیه قرار داد های منعقد قبل و بعد از این معاهده را نیز که بنحوی از انحاء به حق آزادی و استقلال ملت ایران لطمه بزند و یا آنرا محدود سازد کلاً بکن و فاقد هر گونه اعتبار میشمارد». در همین سند حکومت نو بنیاد شوروی متعهد شده است تمام اقدامات لازم را برای پاک کردن خاک ایران از وجود عمال تزاری و بورژوازی امپریالیستی بکار برد و خروج نیروهای انگلیسی و ترک را از ایران تأمین نماید.

در سند رسمی دیگر بتاریخ ۲۶ ژوئن سال ۱۹۱۹ (تیر ماه ۱۲۹۸) دولت شوروی از تمام امتیاز نامه هائی که حکومت تزاری و اتباع آن در خاک ایران بدست آورده بودند و نیز از تمام امتیازات روسیه و قروض ایران بروسیه صرف نظر کرد. در همین سند دولت شوروی رژیم کاپیتولاسیون را ملغی اعلام کرد و از تمام حقوق کنسولی روسیه در ایران چشم پوشید.

هنگامیکه امپریالیسم انگلستان قرارداد استعماری ۱۹۱۹ را بایران تمیل نمود دولت شوروی بر رهبری لنین کبیر اعلامیه ای خطاب بکارگران و دهقانان ایران صادر و ضمن آن اعلام نمود: «در این لحظه که فاتح ددمنش انگلیسی شادی کنان میکوشد یوغ اسارت قطعی بگردن ملت ایران بیاندازد، دولت کارگری - دهقانی شوروی جمهوری روسیه با قطعیت اعلام میدارد که قرار داد انگلستان و ایران را که بر این اسارت صحنه میگذارد بر سمیت نمیشناسد. توده زحمتکشان روسیه، زحمتکشان ایران را برادران و یاران و رفقای فردای خود در بیکار انقلابی برای رهایی کامل کار میداند. دولت کارگری دهقانی روسیه شوروی که مبین اراده توده زحمتکشان روسیه است قرار داد نکین انگلستان و ایران را که حکمرانان شما بموجب آن خود و شما را به «انگلیس فروخته اند، کاغذ پاره ای میداند که هیچگاه برای آن اعتبار قانونی قائل نخواهد بود». پشتیبانی قاطع لنین و حکومت جوان شوروی از مردم ایران موجب اعتلای عظیم شور توده ها گردید و به گسترش جنبش آزادی بخش ملی در سراسر ایران کمک

مؤثر کرد و با اینکه امپریالیسم و ارتجاع موفق بسرکوب جنبش سالهای ۱۲۹۷ - ۱۳۰۱ گردید مع الوصف این جنبش به استظهار سیاست لنینی دولت اتحاد شوروی توانست قرار داد اسارت بار سال ۱۹۱۹ را ملغی ساخته خاک میهن ما را از وجود ارتشهای ترکیه و انگلستان پاک نماید.

پیروزی انقلاب اکتبر و استقرار حکومت شوروی در مجاورت مستقیم خاک ایران نه تنها مواضع امپریالیسم را تضعیف کرد بلکه در عین حال امنیت خارجی کشور ما را تضمین نمود. اقداماتی که دولت شوروی چه در زمان حیات لنین و چه پس از وفات وی به پیروی از تعالیم عالی او در مورد ایران انجام داد بر مبنای اصولی است که لنین کبیر سیاست خارجی این دولت را بر پایه آن قرار داده است. این اصول عبارتند از احترام باستقلال ملی، برابری حقوق ملل بزرگ و کوچک، کمک برادرانه به پیشرفت اقتصادی و سیاسی کشور هائی که در راه استقلال و حاکمیت خویش مبارزه میکنند، کمک بی شائبه و مجذانه به جنبش آزادی بخش ملت ها علیه امپریالیسم.

بهود نیست که شاعران بذمی مانند ملک الشعراء بهار، میرزاده عشقی، لاهوتی، عارف قزوینی، وحید دستگردی و بسیار، دیگر بانچه گوناگون لنین، این نابغه بزرگ تاریخ معاصر، این تکان دهنده امپراطوری های استعمارگر، این دوست صدیق ملت ایران را مورد تجلیل قرار داده و اشعار پر شوری در مدح او سروده اند.

سال جشن فرخنده لنین را برپا داریم!

صدمین سالروز تولد لنین علاوه بر جنبه جهانی و انقلابی آن بویژه برای ما ایرانیان دارای اهمیت ملی و میهنی است. وظیفه همه ایرانیان میهن پرست و آزادیخواه، صرف نظر از عقاید سیاسی و تعلق طبقاتی، اینست که این جشن بزرگ را چنانکه در خور نام

ارجمته لنین است بر گزار نمایند. افکار عمومی مردم زحمتکش جهان چنان نیرومند است که حتی یونسکو (سازمان فرهنگی ملل متحد) غیر سوسیالیستی و از جمله دولت ایران آمادگی خود را برای شرکت در برپا داشتن مراسم یکصدمین سالروز میلاد لنین اعلام داشته اند. ولی یادبود میلاد لنین حق بلامنازع و وظیفه مسلم توده های وسیع همه کشورهای است و اقدامات رسمی دولتی نمیتواند جانشین اقدامات توده ای در مورد انجام این وظیفه گردد. بجاست که مردم ایران ابتکار بر گزاری شایسته این سالروز را بدست گیرند و نگذارند این جشن واقعی توده های زحمتکش در کشور ما عقیم ماند. هموطنان، میهن پرستان! آزادیخواهان ایران!

دنباله از صفحه ۸

## سیمای انسانی لنین

توضیح دهد و برای رفقای که با نظر او موافق بودند، درباره آن مسئله نامه مینوشت و استدلالات تازه میکرد.

## عشق به کودکان

لنین حتی در دوران بیماریش به کودکان توجه داشت و نسبت به آنان مهربان بود. شب ژانویه برای کودکان ساکن خیابان گورکی در تالار کرملین کاجی آراستند و لنین خود به تالار آمد. او حتی لحظه ای از کودکان چشم برنگرفت، بازی آنها را تماشا میکرد و از ته دل میخندید، وقتی یکی از نزدیکانش از اینکه ممکن است سر و صدای بچه ها او را خسته کند، نگرانی خود را بیان داشت، لنین در پاسخ گفت: «نباید هنگام بازی مزاحم بچه ها شد».

سال ۱۹۱۹ که دشوارترین سالها بود به پیشنهاد لنین دستور تغذیه مجانی کودکان صادر شد. لنین میگفت، ما بزرگسالان تا آخرین ذره آرد، آخرین حبه قند و آخرین تکه کره را به کودکان خواهیم داد، هر چند خود گرسنه بمانیم. بهتر است که با این حادثه دشوار بزرگسالان روبرو شوند.

## فروتنی صفت بر جستہ لنین

لنین به چندین زبان خارجی تسلط داشت. در کنگره های کمبترن و در صحبت با نمایندگان از زبانهای فرانسه، انگلیسی، آلمانی استفاده میکرد. او زبان لهستانی و ایتالیایی را میخواند و زبان چکی و سوئدی را می فهمید. اما در پرسشنامه ای که از او سؤال شده بود: «چه زبانی میدانید؟» نوشت: «انگلیسی، آلمانی، فرانسه بد، ایتالیایی خیلی بد.»

هر جا که میسر است مراسم یکصدمین سالروز میلاد لنین بزرگ را برپا دارید!

بهر نحو که امکان پذیر است در این مراسم شرکت کنید و مراتب سیاستگرایی عمیق خود را نسبت به لنین ابراز نمائید! بهر طریقی که ممکن است شرکت توده های وسیع مردم ایران را در این جشن بزرگ جهانی تأمین نمائید!

پاینده باد نام لنین کبیر، بنیاد گزار نخستین دولت سوسیالیستی جهان! جاوید باد لنینیسم، آموزش فنا ناپذیر لنین! استوار باد دوستی خلل ناپذیر مردم ایران و شوروی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

# سرمایه نیروی بین المللی است ، برای پیروزی بر آن اتحاد بین المللی کارگران و برادری بین المللی آنان ضرور است . ما با خصومت ملی ، با نفاق ملی ، با عزلت جوئی ملی ، مخالفیم . ما انترناسیونالیست هستیم .

(لنین ، جلد ۳۰ ، ص ۲۶۸)

دنباله از صفحه ۱

## سیمای انسانی لنین

میدانست و به نقش رهبری کننده حزب کمونیست تکیه میکرد . لنین به پیروزی سوسیالیسم ایقان داشت ، زیرا به نیروی توده های مردم و قبل از همه به آگاهی طبقاتی و تشکیل پذیری طبقه کارگر عمیقاً باور داشت . او میگفت : « پیگیری ، پایداری ، آمادگی ، عزم و لیاقت صد بار آزمودن ، صد بار تصحیح کردن تا بهر قیمت به هدف نائل آمدن . این صفات پرولتاریای روسیه را هم طی ۱۰-۲۰ سال قبل از انقلاب اکتبر و هم طی ۲ سال پس از انقلاب که بار «حرومت فراوان ، گرسنگی ، پریشانی و فقر را بر دوش کشید رشد و پرواز داد . این خصائل پرولتاریا ، وثیقه پیروزی اوست .

### صادق و صریح

بنا به نوشته کروپسکا لنین نسبت به خود سختگیر بود و همین سختگیری را درباره دیگران داشت . او از تمام همکاران خود حد اعلای احساس مسئولیت ، ابتکار ، استقلال ، لیاقت ، جوانب کار را سنجیدن و اهمیت سیاسی این یا آن مسئله را درک کردن ، طلب میکرد . از آنها بر خورد جدی و علاقه به کار انتظار داشت . لنین در مناسبات خود با دیگران صادق و صریح بود . از ناپختگی ، سهل انگاری و بر خورد فورمالیستی بکار شدید و بدون ملاحظه انتقاد میکرد . از دسیسه و پاپوش دوزی بیزار بود و به کادر های حزب توصیه میکرد که ارز یابی عینی و منصفانه شخصیت افراد را مد نظر قرار دهند . لنین نقائص کار این یا آن همکار خود را سکارا و بی پرده خاطر نشان میساخت .

### احترام به نظر اکثریت

در تمام مسائل مهم لنین با اعضاء کمیته مرکزی ، کمیسرهای ملی و کسانی که در سایر ارگانهای رهبری بودند مشورت میکرد . هرگاه لنین ریاست جلسه ای را بر عهده داشت نمیخواست عقیده خود را بر دیگران تحمیل کند . با دقت تمام به استدلالات سایرین توجه میکرد . همه کسانی که در جلسه صحبت میکردند عقیده خود را صریحاً بیان میکردند . اگر در نظریات و پیشنهادها کمترین تضادی پیدا میشد ، مسئله را به رأی میگذاشت . اتفاق میافتاد که اکثریت کمیسرهای ملی به تصمیمی رأی میدادند که با عقیده لنین موافق نبود ، در چنین مواردی لنین به نظر اکثریت تسلیم میشد . هرگاه موضوع اهمیت اصولی داشت به تصمیم ارگانهای عالیتر حزب و دولت واگذار میکرد . لنین هرگز فقط نیروی او توریته خود را بکار نمیبرد . او کوشش میکرد دیگران را به حقانیت خود قانع کند . سعی میکرد کار را دنباله در صفحه ۷

خود را که در رهبری حزب بودند دعوت نمود و به آنان چنین گفت :  
با نگرانی تمام می بینم که تجلیل از شخص من شروع شده است . این دردناک و زیان بخش است . برای من شخصاً نامطبوع است که در این مورد دستوری صادر کنم . ممکن است مسخره آمیز و متفرعانه بنظر آید . وظیفه بر شماست که بتدریج جلوی این جریان را سد کنید .

سال ۱۹۲۰ کمیسیون جمع آوری اسناد برای تنظیم تاریخ حزب کمونیست روسیه (باشویک) و انقلاب اکتبر ، تصمیم گرفت به جمع آوری اسناد برای موزه ای که قرار بود بنام لنین بوجود آید بپردازد . لنین این تصمیم را جدا رد نمود و به م . س . اولمینسکی که تصمیم کمیسیون را به اطلاع وی رسانده بود گفت : « شما نمیتوانید تصور کنید که عرضه داشت دائمی شخصیت من ، برایم چقدر ناخوش آیند است » .

در شروع آخرین جلسه نهمین کنگره حزب ، برخی از نمایندگان پیشنهاد کردند که این جلسه به پنجاهمین سالگرد تولد لنین اختصاص داده شود . این پیشنهاد با تأیید تمام نمایندگان روبرو شد . لنین که در جلسه شرکت داشت این پیشنهاد را نپذیرفت و گفت : « رفقا ! بهتر است سرود انترناسیونال بخوانیم » نمایندگان شروع به خواندن « انترناسیونال » کردند . ولی پس از آن سخنرانها درباره زندگی و آثار لنین آغاز شد . لنین علیرغم آنکه از او تقاضا شد در جلسه بماند ، جلسه را ترک گفت و از اطاق کارش هیئت رئیسه را با تلفن و یادداشت بمباران نمود تا زودتر به سخنرانها پایان دهد . کنگره در همین جلسه تصمیم گرفت آثار لنین را منتشر سازد .

پس از کنگره نهم در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۲۰ ، کمیته حزبی مسکو بمناسبت پنجاهمین سالگرد تولد لنین ، جلسه ای از بلشویک ها تشکیل داد . رفقای زیادی صحبت کردند . لنین تقاضا کرد هنگام ایراد سخنرانها او را از حضور در جلسه معاف دارند و فقط در پایان جلسه حضور یافت . او نطقش را با این آرزو که کاش خصلت اینگونه سالگردها تغییر می پذیرفت آغاز نمود و سپس درباره وظایف حزب صحبت کرد .

لنین شخص پرستی را که با سرشت مارکسیسم بیگانه است محکوم میکرد . او مردم و توده های زحمتکش را آفرینندگان واقعی تاریخ



## لنین

لنین ، کوجان خود را چون شرر افکننده بر ناکس نظر بر پیش کرد و ننگرید از بیم زی واپس تو گدر رمز بشر جوئی ، مثال عالیش بررس مشو بر جیفه غارتگری مشتاق چون کرکس

عقاب باش و سیری کن نشاط چرخ گردان را

چنان طرحی پدید آورد آن دانای کار آمد که پیدا شد جدائی بین ننگ و نام و نیک و بد بشور آمد بشر بر ضد قومی شوم تر از دد سپاه دشمنان بسیار ، لیکن دوستان بیعد

شکست آخر از خصم است ، پیروزیست یاران را

زمان از بهر هر کس اینچنین نقشی نمی سازد ز موج سال ها هر بار گردی قد نیافرازد کدامین ناخدا در بحر قلزم لنگر اندازد بجز از جنگ با امواج که بیگر نیردازد

که تا از ورطه برهاند گسسته بادبانان را ؟

بسا نام آوران ، پر کبر و قدرت ، غرقه اندر زرز ز خود در سیر هستی جابری کردند گردونفر به مرداب عدم مدفون شدند از موزه تا مغفر بجز لعنت نماند از آنهمه غوغای ترس آور

که وقف خویشتن کردند عمری زشت بنیان را

ولی میدان گردی چون لنین ، اینک پس از صد سال شود گسترده تر ، سیمبرغ افکارش گشاید بال چرا ؟ زیرا همه اعمال او بد در ره اعمال جو پیشاهنگ مردم بود ، خلقتش رفت از دنبال

یکی فصل شگرف افزود مر تاریخ انسان را ،